



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۰۳

ملالی موسی نظام

باز هم در زمینه ماجرای مرگ احمد ظاهر



درینکه با چهل و مین سال وفات خواننده خوش آواز و با استعداد افغان که با نو آوری های جاودانه و سبک و روش نهایت دلپسند موسیقی و انتخاب اشعار و ابیات زیبا و مورد پسند همه گان، انقلابی را در جهان موزیک کشورش به ارمغان آورد، یکبار دیگر در مطبوعات افغانستان و دنیای مجازی مطرح میگردد، ایرادی ندارد ولی متأسفانه ماجرای مرگ زودرس وی با نظرات ضد و نقیضی اذهان و خاطرات نسل نو و نسل قبلی را با حدسیات و خاطرات گوناگون به بازی گرفته است.

اگر منظور یاد بود و تقدیر از یک هنرمندی است که آواز و هنر کم نظیر وی بعد از چهار دهه، به همان شهرت و محبوبیت حتی در کشور های همسایه هم باقیست، چه بهتر؛ ولی اگر در پهلوی این انگیزه، تلاشی دوامدار همچنان بر علل مختله وفات وی و نحوه قضاوت درین مسئله صورت میگیرد، باید عرض نمود که این قضیه به درازا خواهد انجامید. بعد از مطالعه نظریات گوناگون اخیر در مورد علت مرگ وی و تعدادی از ارزیابی های قابل درک، متأسفانه احساسات، حدسیات و گمان های مختلفه قضیه را رنگ دیگری میبخشد.

اول - اگر مرگ احمد ظاهر همانطوریکه راپور داده شده، در اثر تصادم موتر به کوه «به هر دلیلی» صورت گرفته باشد و وی که در عقب موتر نشسته بود، در اثر فرورفتن قسمت آهنین آئینه عقب شکسته در سرش، فوت کرده باشد، به تائید برادرش، نباید چندان از احتمال بدور باشد.

یکی از شهود عینی «منجمله» موتر ران دفتر یونیسیف در کابل که از مزار شریف برمیگشت، شاهد دیدار جنازه احمد ظاهر در چاریکار، صدمه ندیدن دختران که فقط یکی زخمی بر پیشانی داشت و تداوی زخم های آقای

«محبوب الله» و صدمه آشکارای موتري که به کوه خورد، بوده است. وی این چشم دید و راپور ها و خبر مرگ احمد ظاهر را به سادگی به اعضای دفتر تشریح نمود.

در مورد نگهداری طولانی میت از جانب دولت کمونیستی پرچم و خلق، باید عرض نمود که بدون تردید، همان روز جنازه به خانه داکتر ظاهر خان مرحوم در شهر نو انتقال داده شده و تعداد زیادی از آن دیدن نموده اند. خواهر من که با عده ای از همکاران، با همان موتر ران یونیسف به منزل برمیگشت، زمانیکه از مقابل خانه داکتر ظاهر خان رد شده است، متوجه حقیقت این موضوع میگردد.

دوم - اگر قرار است مرگ احمد ظاهر یک ماجرای جنایی باشد، پس در روز روشن زمانیکه نامبرده بعد از توقف با همراهان «یک مرد و دو دختر» در قرغه در حالیکه شرائط به دراپور حق موتر رانی را با سر گرم نمیداد، عازم شاهراه خطرناک و کوهستانی سالنگ میگردند. درین حالت سوالات ذیل موجود میگردد:

۱- اینکه افواه پلان قتل وی موجود بوده، در آنحالت نمیشود باور نماییم که با موجودیت سه شاهد عینی رژیم خلق و پرچم این کار را علنی در چنان شرائطی صورت میداد. ماجرای تصادم موتر در کوه چگونه توجیه میشود، اگر ساختگی باشد، خطراتی که سه نفر دیگر به یقین به آن مواجه میشدند، چه حالتی را بار می آورد؟

۲- محترمه خانم احمد ظاهر از شخص مشکوکی حرف میزند که به منزل آنان مراجعه میکند و برای موتر آب ضرورت داشته؛ مگر آب جای دیگری یافت نمی شد. فامیل های افغان دروازه را مخصوصاً در آن روز هایی نهایت سهمگین که ترس از هرکسی موجود بود، بروی بیگانه ها نمی کشودند.

۳- از شناختی که از اخلاق و تربیت پسندیده فامیل و فرزندان مرحوم داکتر ظاهر خان به خاطر داریم، موضوع اینکه محترم آصف ظاهر اندر بوده و جریان مرگ احمد ظاهر را تحریف نموده باشد، حدی موجود نیست.

۴- محترمه خانم احمد ظاهر که قرار شنیدگی، همان روز کودکی به دنیا آورد، چگونه از حضور دو دختری که با دو رفیق به پیکنیک میروند، تعجب و اعتراضی نمی نماید؟ در زمینه ادعای خواهر محترمه احمد ظاهر، خانم ظاهره عزیز که در آن زمان خود در نیویارک بسر میبرد، برای روشن شدن فوت برادر چگونه آن شهود عینی را تا الآن فراموش مینماید؟ در حقیقت این دختران «خانم ها» حیات داشته و گویا در امریکای شمالی زندگی میکنند و بدون ترس، مکلفیت وجدانی دارند که قضیه را تشریح نموده و پرده از مشت بسته و هزار دینار مرگ این هنرمند بلند آوازه افغان بردارند. آیا شهادت زنان درین جا هم قابل قبول نیست؟! مشاهده میشود که این ماجرا ظاهراً در ابهام باقی مانده است و حدسیات گوناگون هنوز بر آن حاکم است.

بدون تردید آنچه را احمد ظاهر با استعداد، آواز گیرا، پشتکار و آموزش خویش برای جامعه افغانی به ارمغان آورد، برای نسل های افغان و مردم افغانستان ماندگار خواهد بود.

پایان